

گفت‌وگو
علی‌قلادی

گفت‌وگو «جوان» با ایرج مسجدی، سفیر سابق ایران در عراق

فرق جهان قبل و بعد ۷ اکتبر راهبردی تر شدن مقاومت است

ایرج مسجدی، نامی آشناست؛ سفیر سابق ایران در عراق، بین سال‌های ۱۳۹۵ تا فروردین ۱۴۰۱ که دوران سفارت او، مقارن است با ترور سردار سلیمانی در عراق. «جوان» هم‌زمان با سالگرد شهادت سردار سلیمانی گفت‌وگویی با ایشان انجام داده که طیف مختلفی از مسائل روز هم در آن مطرح است.

با توجه به ترور چند هفته قبل شهید «سیدرضی موسوی» در سوریه و اینکه افکار عمومی، شش‌ناخت‌اندکی از ایشان دارند، اگر اطلاعات بیشتری درباره ایشان دارید، بفرمایید.

آقای سیدرضی در بین همکاران نشان و بعضاً نیروها و مسئولان سوریه به اقاوسید شهرت داشتند. ایشان بیش از ۲۰ سال در این منطقه فعالیت داشتند و مسئولیت‌شان، سازماندهی، هماهنگی و پشتیبانی برای همکاری بین جمهوری اسلامی به خصوص سپاه به سوریه بود؛ هماهنگی‌های مختلفی که باید صورت می‌گرفت. ایشان به صورت خاص در سوریه فعالیت داشتند؛ هم پشتیبانی برای سوریه و هم بعضاً برای لبنان. هر هبیتی، هم‌بمان با گروهی که وارد سوریه می‌شدند، کارهای هماهنگی را از ایشان انجام می‌دادند. به نوعی رابط بین ایران و به خصوص سپاه یا طرف‌های سوری بودند. شهید سیدرضی برای سوری‌ها شخصیتی شناخته‌شده و قابل احترام بودند مثل یک سفیر.

جایگاه دیپلماتیک هم داشتند؟

تمام مستشارانی که برای همکاری با کشور‌های مختلف از جمله سوریه اعزام می‌شوند، از جایگاه دیپلماتیک برخوردارند، چون به طور رسمی و با گذر نامه رسمی و با هماهنگی با دولت میزبان به محل مورد نظر می‌روند. ممکن است عضو وزارت خارجه نباشند اما در قالب کار دیپلماتیک و رسمی، فعالیت خود را انجام می‌دهند. آقای سیدرضی بسیار با تجربه بودند. ایشان با محیط سوریه و لبنان کاملاً آشنایی داشتند. یک کارشناس مسلط در منطقه بودند. شخصیت‌ها، مقامات، بخش‌های مختلف مردم، ارتش و وزارت دفاع سوریه را می‌شناختند و روابط داشتند و مورد احترام بودند. به عنوان یکی از مسئولان ویکی از مقامات جمهوری اسلامی ایران، ایشان رامی‌شناختند. در زمان جنگ سوریه با گروه‌های مسلح از جمله جبهه النصره و بقیه جریان‌ها، سیدرضی نقش اساسی را در این‌کده برای زمین‌دگان و گروه‌های، این‌جاها مختلف برای کمک به سوریه وارد می‌شدند. این‌ا کردند، به خصوص مدافعان حرم که از جمهوری اسلامی می‌رفتند. تمام مقدمات هماهنگی‌های این موضوع را سیدرضی انجام می‌دادند.

بحث لجسنتیک هم مطرح است، آیا در این حوزه هم به صورت خاص و مستقیم نقش داشتند؟

بله ایشان در حوزه پشتیبانی‌ها (لجسنتیک) هم مسئولیت هماهنگی‌ها را داشتند. نقش ایشان بسیار مؤثر و مهم بود. برای رژیم‌صهیونیستی که دشمن اصلی سوریه، لبنان و مقاومت است، سیدرضی شناخته‌شده بود. هم ایشان این را می‌دانستند و هم سپاه این را می‌دانست که رژیم‌صهیونیستی وجود ایشان را تحمل نخواهد کرد و چندین بار هم حتی در معرض تهدید قرار گرفتند.

گویا قبلاً هم عملیات ترور ناموفق علیه ایشان صورت گرفته بود؟

رژیم‌صهیونیستی امروز تصمیم به ترور ایشان نگرفته است، از مدت‌ها قبل در پی این بودند که ایشان را به شهادت برسانند، اما مسئله مهم این است که هم سیدرضی و هم دیگر عزیزانی که در این عرصه کار می‌کنند از جمله شخص‌صهیونیستی وجود ایشان را تحمل نخواهد کرد و چندین بار هم حتی در معرض تهدید قرار گرفتند.

ایران صورت گرفته بود؟

رژیم‌صهیونیستی هم در این باره اقدام کرده است، اما نتوانستند. سیدرضی یکی از این افراد بود. مثلاً می‌گفتند ممکن است جان ایشان در معرض تهدید باشد. سیدرضی می‌گفت: مگر ما اینجا آمده‌ایم در امنیت پایدار و آسایش باشیم، ما آمده‌ایم به وظیفه جهادی و انقلابی عمل کنیم و طبیعتاً دشمن هم تهدید می‌کند.

با وجود اینکه ایران و رژیم‌صهیونیستی دشمن هستند، ولی یکسری قواعد تخاصم وجود دارد، یعنی نمی‌خواهند بلافاصله باهم مقابله مستقیم و تمام‌عیار کنند. آیا با ترور ایشان صهیونیست‌ها قصد داشتند پیام خاصی به ایران دهند؟

ایشان از مدت‌ها قبل در دستور ترور رژیم‌صهیونیستی بودند و دلیل آن هم نقش برجسته‌شان در حمایت از جبهه مقاومت و دولت سوریه بود، اما انتخاب این زمان برای انجام ترور به امروز هم برمی‌گردد که نقش مقاومت در حمایت از حماس و جهاد اسلامی، یک نقش جدی و مهمی است و اسرائیلی‌ها می‌خواهند یکی از موانع را بردارند و هر شخصی را که به نوعی کمک به جبهه مقاومت است از سر راه بردارند و یکی از این موانع مستشاران هستند. این‌ها در ادامه دشمنی خود با شرایطی مواجه شده‌اند که نقش جدی و پررنگ سیدرضی را می‌بینند و می‌خواهند افرادی مثل او را از میان بردارند.

اخیراً بحث‌هایی در باره حمله سال ۲۰۲۰ ایران به عین‌الاسد مطرح شد، درباره اینکه می‌گویند این حمله «هماهنگ انجام شد، بفرمایید. چند هفته قبل، به‌طور خاص ترامپ به این موضوع اشاره کرد. پس از ترور شهید سلیمانی، پاسخی که ایران

داد، قواعدی داشت، یعنی ایران و امریکا به هر حال نمی‌خواستند وارد درگیری گسترده شوند و این باعث می‌شد، پاسخی که ایران به ترور می‌داد نیز در چارچوب یک مجموعه قواعد انجام شود. ظاهراً حالا این را تنزل می‌دهند و موضوع هماهنگ شدن آن را مطرح می‌کنند، به این معنی که ایران از قبل به امریکا گفته که عین‌الاسد را می‌زنیم و نیروها را نمی‌زنیم.

امریکایی‌ها طبیعتاً بر اساس خواسته‌های خودشان حرف می‌زنند اما اصلاً این موضوع به چنین معنایی وجود ندارد که ما از قبل به امریکایی‌ها گفته باشیم می‌خواهیم یک نقطه را بزنیم و اینجا را تخلیه کنید تا کسی کشته نشود. اینکه سیاست جمهوری اسلامی بر این نبوده که جنگی بین ایران و امریکا راه بیفتد، این تعبیر درست است اما عین‌الاسد یکی از پایگاه‌های امریکاست. در تاریخ اخیر، کسی جرئت نکرده علیه پایگاه‌های امریکا و مقابل ترور حمله کند، ایران اگر می‌خواست کاری انجام شود، حمله به عین‌الاسد بهترین کاری بود که انجام شد و یکی از پایگاه‌های امریکا در عراق هدف قرار گرفت، یعنی همان کشوری که ترور در آن اتفاق افتاده بود. این کار ایران در اصل این پیام را برای امریکایی‌ها داشت که ما عکس‌العمل صورت می‌دهیم. اگر چه این بحث هم مطرح شد که تقاص خون شهید سلیمانی و ابومهدی این نخواهد بود و یکی از موارد اخراج امریکایی‌ها از عراق و تمام منطقه است. ما قصد جنگ نداشتیم، ولی پاسخ این جنایت باید به شکلی داده می‌شد که عملیات عین‌الاسد در دستور کار قرار گرفت.

در مورد ترور سردار سلیمانی بحث‌هایی مطرح شده، از جمله مودی که بیشتر در داخل عراق مطرح است، همکاری دستگاه اطلاعاتی عراق با امریکایی‌ها در این ترور است، به خصوص که مصطفی الکاطمی، نخست‌وزیر قبلی در زمان ترور، رئیس وقت سازمان اطلاعات ملی عراق بود.

در فضای مجازی ممکن است، حرف‌ونقل زیاد باشد. تبلیغ‌گران هم می‌توانند نظراتی داشته باشند اما چیزی که استند و محکم می‌توانیم برسانه آن حرف بزنیم، چیزی است که دادگاه اعلام می‌کند. برای این موضوع دادگاهی تشکیل شده است. هم در عراق، هم در ایران و هم در همکاری باهم و این دادگاه هم با هیچ‌کس تعارف ندارد. هر کسی را که به نوعی در این جنایت نقش داشته باشد، امریکا را به موضوع رسیدگی می‌کند و این دادگاه در نهایت تصمیم می‌گیرد.

شما در آن زمان سفیر ایران در عراق بودید، از زبانی خودتان و جمهوری اسلامی چیست؟

ارزیابی ما این است که این جنایت را امریکایی‌ها انجام داده‌اند و مقصر آن هم آقای ترامپ است و عوامل اجرایی آن هم نیروهای امریکایی هستند. این‌ها باید پشیمان و دانه در دهان عراق تسلط داشتند و همچنان هم دارند، نه فقط شهید سلیمانی را بلکه مقرر نیروهای مقاومت را ر صد می‌کنند. اینکه در داخل عراق یا خارج این کشور، آیا کسانی با امریکایی‌ها همکاری را کردند را اگر نخواهد کرد قضاوت مستند داشته باشیم، باید تحقیقات نشان دهد و این کار دادگاه است.

کسی بر گردیم به قبل: سال ۲۰۰۳ که امریکایی‌ها به عراق حمله کردند. همان‌طور که می‌دانید در مورد حمله امریکایی‌ها به سقوط صدام منجر شد، هر چند نیروهای امریکایی به نوعی به ایران نزدیک شدند و به تعبیری «آمدند پیش گوش ایران» ولی حتی در داخل امریکا هم این بحث به‌طور جدی مطرح است که این حمله، در نهایت به نفع ایران تمام شد. در همان مقطع، خاطر م هست که بحث‌هایی در باره همکاری سپاه قدس با امریکایی‌ها در سقوط صدام مطرح می‌شد، البته نه سیستماتیک، بلکه مقطعی با هدف ساقط کردن صدام، با توجه به اینکه ایران هم نهایتاً از سقوط صدام سود می‌برد، چنین بحثی چقدر صحت دارد؟

ما دشمنی داریم به نام امریکا و دشمنی داشتیم به نام صدام. صدام هشت سال علیه ایران جنگ کرد. حالا یک دشمن (امریکا) می‌خواست به دیگری حمله کند. موضوع جمهوری اسلامی این بود که ایران مخالف اشغال عراق به عنوان یک کشور اسلامی و دخالت امریکایی‌ها در منطقه حتی علیه صدام بود که دشمن ما بود. این را ما مخالفش بودیم.

خب این موضع رسمی ما بود...

موضع رسمی و غیررسمی ندارد. موضع جمهوری اسلامی یکی بود و آن این بود که ما مخالف حمله و اشغال عراق، حتی علیه صدام هستیم، اما یک بحث دیگر، خود عراقی‌ها و رهبران معارض عراق بودند که با جمهوری اسلامی ارتباط داشتند و بخش زیادی از آنها اصلاً ساکن ایران بودند. مثل حزب‌الدعوه، مجلس‌اعلام، مرحوم طالبانی که این‌ها نمایندگان عراق را دارند و جمهوری اسلامی هم از آنها حمایت می‌کند.

با مثلاً احمد چلبی که آن موقع جزو معارض عراقی بود و بحث ریاست موقت او نیز بعد از سقوط صدام از طرف امریکایی‌ها مطرح می‌شود.

بله، آقای چلبی هم بود. ما تصمیم این‌ها را درباره اشغال به خودشان واگذار کردیم. جمهوری اسلامی برای این



مصطفی‌علی‌قلادی

اگر بخواهیم نگاهی عملیاتی‌تر به موضوع داشته باشیم، به صورت خاص، ایشان غزه هم رفته بودند؟

چرا شهید سلیمانی در عرصه‌هایی از جمله جنگ با داعش حضور میدانی داشت؟ چون در آن مناطق امکان حضور وجود داشت. سردار مأموریت خود می‌دانست که این کمک را به کنار مقاومت ببرد و به آنها کمک کند. اکنون که ایشان نیستند، سردار قائلی جانشین ایشان همین رویکرد را دارند، اما درباره اینکه سردار سلیمانی به غزه رفته‌اند، من اطلاعی ندارم.

در مورد عملیات هفتم اکتبر فلسطینی‌ها، اگر چه سردار سلیمانی الان نیستند، ولی رهبری یک باز از این تعبیر که ایشان دست مقاومت را پر کرده، استفاده کردند. آیا ما می‌توانیم جایگاهی برای ایشان هم در این عملیات قائل باشیم؟

شما موضوع را اینطور ببینید، امروز که حماس با تسلیحاتی مثل موشک و پهپاد حدود سه ماه است با یک ارتش جدی می‌جنگد، آن هم اسرائیلی‌هایی که خودشان را پنجمین ارتش جهان و اولین ارتش منطقه می‌دانند، این توانمندی را که سه ماه با این ارتش مقابله کنند، چه کسی ایجاد کرد؟ عملیات ۱۵ مهر هم حاکی از توانمندی نظامی، راهبردی و اطلاعاتی است که حماس از آن برخوردار است. این توانمندی‌ها را چه کسی برای مقاومت ایجاد کرد؟ اینجاست که می‌توان گفت شهید سلیمانی نقش بزرگ و جدی داشته است.

ایجاد این توانمندی به چه صورتی بوده است؟ مثلاً الان به‌طور مصداقی، بحث تونل‌های غزه مطرح است و سیستم عجیب و غریبی که ایجاد شده و شاید ۱۷، ۱۸ سال طول کشیده تا آنها را بسازند. آیا در پیش‌نهاد این گونه طراحی‌ها هم می‌شود نقشی بود ایشان قائل بود؟

هر کاری که در غزه اتفاق می‌افتد، از سوی حماس است. ساخت تونل فقط یکی از آنهاست. مقاومت فلسطین الان خودش سلاح می‌سازد و موشک و پهپاد تولید می‌کند که نقش مستشاری شخصیت‌های وارسته‌ای مثل شهید سلیمانی در آن مشهود است. برخی مقاومت را جریان ضعیفی می‌دانند که برای هر کاری جمهوری اسلامی ایران در آن نظر می‌دهد، در حالی که مقاومت نه تنها در فلسطین که در لبنان و یمن اینطور نیست و شخصیت‌های برجسته‌ای دارند که خود آنها مولدند و نقش شهید سلیمانی امروز سردار قائلی و شهیدانی مثل سیدرضی و مهدی‌نقش مستشاری است فرماندهی نیست بلکه کمک فکری، عملیاتی و هر گونه حمایت را صورت می‌دهند. امروزه هیچ‌کس به غزه دسترسی ندارد، اگر سردار سلیمانی بودند هم به منطقه دسترسی نداشتند و این خود فلسطینی‌ها هستند که تصمیم می‌گیرند.

آیا به‌طور خاص می‌توانیم بگوییم ایران از عملیات هفتم اکتبر مطلع بوده است؟

موضوع ساخت تونل‌ها یا توجه به سابقه طولانی حملات صهیونیست‌ها به این برمی‌گردد که مقاومت برای افزایش امنیت خود، این‌کار را انجام داده و ایده آن از خودشان بوده است تا کمتر شناسایی شوند. ایران از عملیات هفتم اکتبر مطلع نبود، وقتی دفتر حماس در قطر مطلع شد، حزب‌الله مطلع نبود، چرا باید ایران مطلع باشد؟! یکی از ویژگی‌های عملیات این بود که به دلیل جلوه‌گری از اطلاع دشمن، حماس حتی به بخشی از نیروهای خودش هم آن را نگفت.

به نظر تان، دنیا بعد از عملیات هفتم اکتبر یا به تاریخ خودمان ۱۵ مهر ۱۴۰۲ چگونه دنیایی خواهد بود؟

تفاوت آن در نقش منطقه‌ای و بین‌المللی مقاومت خواهد بود. امروز مقاومت یمن چه نقشی دارد؟ دبیروز انصاری‌ها را گروهی کوچک تصور می‌کردند، ولی امروز نقش راهبردی دارد. آنها هم موشک و پهپاد دارند و هم کشتی‌هایی را متوقف می‌کنند که به رژیم‌صهیونیستی کمک می‌کنند. بعد از این جنگ مطمئن باشید که نگاه به مقاومت فلسطین و به خصوص حماس متفاوت خواهد بود، چون می‌دانند که حماس توانایی مقابله در برابر ارتش تا دندان مسلح و به پشتیبانی همه‌جانبه نیروهای امریکایی را دارد. اینکه بحث می‌شود که آینده متعلق به فلسطینی‌ها و قدرت فلسطینی‌هاست، یک واقعیت میدانی است و نه یک تحلیل سیاسی و معنوی و بعد از ۹۰ روز جنگ مشخص شده است که این توانایی را هیچ‌کس نمی‌تواند از بین ببرد. تنها هنر اسرائیلی‌ها قتل‌عام مردم بی‌گناه بوده است. چقدر از حماس شهید کرده و اسیر گرفته‌اند. در معادله عملیاتی و میدانی اسرائیلی‌ها کاملاً شکست خورده‌اند. چرا تیپ گولانی عقب‌نشینی کرد؟ چون خیلی آسیب دید و ضربه خورد، فرمان عقب‌نشینی‌اش صادر شد. در معادلات آینده حساسی جدی روی حماس باز خواهد شد و به اعتقاد من، نقش حماس در مقاومت، مذاکرات و هر گونه اقدامی، بسیار جدی‌تر خواهد بود.

محور «مقاومت» به یکی از دستاوردهای شهید سلیمانی است. این حرف دقیقی است؟

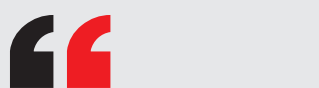
شهید سلیمانی به نوعی سکاندار و خلبان این موضوع است و چون خودش بارها گفته و خواسته، من تکرار می‌کنم، ایشان گفته‌اند که چرا فقط اسم من نباید؟ انسان‌های زیادی را که دستیار، مشاور و کمک ایشان و هم‌زمان ایشان هستند هم باید در نظر داشت.

که یکی از این افراد مشخص شد.

بله شهید سیدرضی که به شهادت رسیدند و افراد



آقای سیدرضی نقشی بسیار مؤثر و مهم در سوریه داشت و برای رژیم‌صهیونیستی که دشمن اصلی سوریه، لبنان و مقاومت است، شناخته شده بود و از مدت‌ها قبل در دستور ترور رژیم‌صهیونیستی بود



امروز که حماس با تسلیحاتی مثل موشک و پهپاد سه ماه است با یک ارتش جدی می‌جنگد، این توانمندی را چه کسی ایجاد کرد؟ عملیات ۱۵ مهر، هم حاکی از توانمندی نظامی، راهبردی و اطلاعاتی است که حماس از آن برخوردار است، این توانمندی‌ها را چه کسی برای مقاومت ایجاد کرد؟ اینجاست که می‌توان گفت شهید سلیمانی نقشی بزرگ و جدی داشته است



تفاوت دنیای قبل و بعد از عملیات ۱۵ مهر ۱۴۰۲، تفاوت نقش منطقه‌ای و بین‌المللی مقاومت است، امروز مقاومت یمن چه نقشی دارد؟ تا دیروز انصاری‌ها را گروهی کوچک تصور می‌کردند ولی امروز نقش راهبردی دارند و آنها هم موشک و پهپاد دارند و هم کشتی‌های کمک‌رسان به رژیم‌صهیونیستی را متوقف می‌کنند



نقش شهید سلیمانی پشتیبانی قاطع از مقاومت فلسطین اعم از حماس، جهاد اسلامی و هر گروه دیگر فلسطینی است که با شغالگران مبارزه می‌کند، او یکی از کسانی است که به نمایندگی از جمهوری اسلامی در طول مبارزات از فلسطینی‌ها حمایت کرد و جمهوری اسلامی ایایی ندارد که آن را مخفی کند



با مثلاً احمد چلبی که آن موقع جزو معارض عراقی بود و بحث ریاست موقت او نیز بعد از سقوط صدام از طرف امریکایی‌ها مطرح می‌شود.

بله، آقای چلبی هم بود. ما تصمیم این‌ها را درباره اشغال به خودشان واگذار کردیم. جمهوری اسلامی برای این

دیگری که امروز خدمت می‌کنند، بنابراین اینطور نیست که با شهادت سردار سلیمانی این روند تمام شود، بلکه انگیزه قوی‌تری ایجاد می‌کند برای دیگران.

یعنی این روند سیستماتیک است...

بله سیستماتیک است که مأموریتش حمایت از مقاومت است و ادامه خواهد داشت، ممکن است در این بین، افرادی به شهادت برسند یا ممکن است فرمانده و ناخدای این روند شهید شود، اما کسی دیگر جای وی را می‌گیرد. شهید سلیمانی عزیز امروز بین ما نیست و ممکن است شخص دیگری مثل ایشان شود، اما مثال بزنم، الان امام خمینی نیست اما رهبر امروز ما را شما مقایسه کنید که چقدر کشور را پیش برده‌اند، چقدر با قدرت در دنیا عمل می‌کنند.

این نشان می‌دهد فرد نیست بلکه سیستم است.

به قول حضرت آقا یک مکتب و یک منبج است. شهید سلیمانی یک نقش اساسی دارند، مثل امام که مؤسس انقلاب هستند، اما زمانی که از دنیا رفتند، انقلاب‌راه خودش را ادامه می‌دهد. سردار سلیمانی راهی ایجاد کردند و زمانی که خودشان نباشند، دیگران این راه را ادامه می‌دهند. افراد دیگری هم که به شهادت می‌رسند هم منتظر شهادت هستند و این نیست که با شهادت این‌ها این راه شکست بخورد، بلکه روزه‌بروز قوی‌تر می‌شود. در مقاومت فلسطین هم همین است. فلسطینی‌ها شهیدهای زیادی داده‌اند اما مطمئن باشید نتیجه این وضعیت، درختی است که تلوار تر خواهد شد. این شکست برای اسرائیلی‌هاست که آنقدر ناتوان هستند که امریکایی‌ها از آنها حمایت کردند، اما حماس همچنان با قدرت عمل می‌کند.

در بحث یمن، به نقش سردار سلیمانی کمتر پرداخته شده است، کمی در این مورد برای ما توضیح دهید.

هر جایی که اوایی از مقاومت باشد، نقش سردار سلیمانی برجسته است و یمن هم مستثنی نیست، به همین دلیل است که امریکایی‌ها به این نتیجه رسیده‌اند هر جا وارد می‌شوند یا یک مانع مواجه می‌شوند، به نام سردار سلیمانی به نام سیدرضی، اما من به شما عرض می‌کنم، امریکایی‌ها با یک مانع مواجه نیستند. اگر یکی را برادر بند، ۱۰ نفر جایگزین آنها می‌شوند، ده‌ها را برادر بند ۱۰۰ نفر جای آنها می‌شینند. آنها هم امریکا هم رژیم‌صهیونیستی باید بفهمند در یک سراسریشی بزرگ قرار گرفته‌اند و قدرت‌شان در منطقه رو به زوال است و اعتماد کشورهای منطقه از آنها سلب شده است و همه بحث‌های سازش، همه نامه‌ها، خواهش‌ها و چرانی در منطقه رشد می‌کنند که به نام مقاومت، آنها باید بفهمند، البته فهمیده‌اند و شاید خودشان را به نفهمی زده‌اند. آنها باید خودشان را اصلاح کنند، یعنی مثل کشورهای دیگر به دنبال کار خودشان بروند. آنها با این همه رایگانه و امرطقی ما چه می‌خواهند؟ امریکایی‌ها روز خوش نخواهند دید تا زمانی که بخواهند در کشورهای دیگر دخالت کنند.

معنای انتقामी که مدنظر ایران است، ظاهراً همین است.

امریکایی‌ها خیلی آدم‌های عجیب و پروری هستند، چه کسی در منطقه نیروی نظامی دارد؟ چه کسی در کشورهای مستقر است؟ چه کسی دخالت می‌کند؟ چه کسی بر فراز کشورها چرانی می‌کند؟ آیا جمهوری اسلامی است یا امریکاست؟ جمهوری اسلامی در کدام کشور پایگاه نظامی دارد؟ جالب است که در گوش‌ها، دیگران را به دخالت متهم می‌کنند. امریکایی‌ها باید به سزیم‌خودشان باز گردند و منطقه را به حال خودشان بگذارند تا کم‌کم در باره آینده خودشان تصمیم بگیرند. امریکایی‌ها ایران هراسی ایجاد کرده‌اند تا آن را جایگزین رژیم‌صهیونیستی کنند، اما امروز این دیگر رنگ باخته است. این سیاست رسانه‌ای و تبلیغی، امروز کمرنگ شده است. فهمیده‌اند که اگر کسی دوست واقعی کشورها باشد، جمهوری اسلامی است و دشمن واقعی، رژیم‌صهیونیستی و امریکاست. این اعتمادها برای مردم شفاف شده است. دولت‌ها هم به دلیل مسائلی مثل وابستگی‌ها ممکن است دیرتر به این نتیجه برسند.

نقش سردار سلیمانی بیش از هر مودی در زمینه‌مندی «میدان» تعریف شده است، اثر او در «دیپلماسی» چقدر بود؟

سؤال خوبی است، ملاقات‌های شهید سلیمانی جواب این سؤال است. سردار سلیمانی وقتی سوریه می‌رفت، با نیروهای مقاومت مذاکره می‌کرد یا با نیروهای رسمی، دولتی و حکومتی اعم از آقای بشار اسد تا مقامات پایین‌تر.

نقش سردار سلیمانی بیش از هر مودی در زمینه‌مندی «میدان» تعریف شده است، اثر او در «دیپلماسی» چقدر بود؟

سؤال خوبی است، ملاقات‌های شهید سلیمانی جواب این سؤال است. سردار سلیمانی وقتی سوریه می‌رفت، با نیروهای مقاومت مذاکره می‌کرد یا با نیروهای رسمی، دولتی و حکومتی اعم از آقای بشار اسد تا مقامات پایین‌تر. در عراق ای جلسات ایشان با رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر، مقامات حکومتی، رؤسا و حاکمیت آنها مگر کمتر از دیگران بود؟ ملاقات با مقامات دولتی در هر کشوری، در رأس برنامه‌های ایشان بود. شخصیت ایشان یک دیپلمات بسیار قوی بود اما از جنس دیپلماسی که مادر سیستم خودمان به آن دیپلماسی انقلابی، نهضتی و جهادی می‌گوییم.

در نتیجه تعارضی بین این دو نقش وجود ندارد...

سردار سلیمانی زمانی می‌تواند میدان را خوب اداره کند که از دیپلماسی خوبی برخوردار باشد و اگر این دیپلماسی نباشد در میدان نمی‌تواند عمل کند، چون این میدان وابسته به حاکمیت کشورهای مختلف است. اگر مقامات ایران نخواهند و اجازه ندهند، مگر سردار سلیمانی می‌تواند به این کشور وارد شود؟ با هماهنگی و دعوت آنها سفر صورت می‌گیرد. اگر آقای بارزانی در اقلیم کردستان از سردار سلیمانی برای جنگ با داعش دعوت نمی‌کرد، مگر ایشان به آنجا می‌رفتند؟ البته ورود ایشان مثل امریکایی‌ها نیست که به همه وعده سرخ‌رم می‌دهند، ورودی عملیاتی، میدانی، جدی، مثل تجربه زمان جنگ خودشان است و این یعنی سردار سلیمانی.